

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۸۷/۱۱/۱۲

موضوع: سجده بر مهر از دیدگاه فریقین: بررسی روایات اهل سنت در مایسجد علیه

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقرية الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله در جلسه گذشته، روایاتی را که نبی مکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) از سجده کردن بر گوشه عمامه منع کرده بودند خدمت عزیزان عرض کردیم که:

« رأی رسول الله صلى الله عليه وسلم رجلا يسجد على كور عمامته فأوما بيده ارفع عمامتك وأوما إلى جبهته»

شخصی بر عمامه‌اش سجده می‌کرد حضرت فرمود این عمامه را بر دار اشاره به پیشانی‌اش کرد.

سنن البيهقي الكبرى ، اسم المؤلف: أحمد بن الحسين بن علي بن موسى أبو بكر البيهقي الوفاة: ٤٥٨ ،

دار النشر : مكتبة دار الباز - مكة المكرمة - ١٤١٤ - ١٩٩٤ ، تحقيق : محمد عبد القادر عطا ج ٢ ص ١٠٥

و نقل کردیم بر اینکه امیر المؤمنین سلام الله علیه فرمود:

«إذا كان أحدكم يصلي فليحسر العمامة عن جبهته»

...عمامه را از پیشانی‌اش بر دارد.

در مورد «عبدالله ابن مسعود»، «عبدالله ابن عمر» و «عبادة ابن صامت» عرض شد اینها وقتی که نماز

می‌خواندند تلاش می‌کردند چیزی را که بین پیشانی و زمین قرار می‌گیرد بر دارند.

۸- دسته هشتم از روایات: «السجود علی الثیاب لغذر» است

به این موضوع خوب دقت کنید در بعضی از روایات اگر علمای اهل سنت نقل می‌کنند که صحابه یا فردی بر لباسش سجده کرده بود اینها مشخص است که در موارد عذر و ضرورت بوده است «الضرورات تقدر بقدرها» مثلاً در «صحيح بخاری» از «انس» نقل شده که می‌گوید:

«كنا نُصَلِّي مع النبي صلى الله عليه وسلم فَيَسْجُدُ أَحَدُنَا على تَوْبِهِ»

ما با نبی مکرم نماز می‌خواندیم، بعضی از ما بر روی لباسش سجده می‌کرد.

الجامع الصحيح المختصر ، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ۲۵۶ ، دار

النشر : دار ابن كثير , اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷ ، الطبعة : الثالثة ، تحقيق : د. مصطفى ديب البغا

ج ۱ ص ۱۵۰

قبلاً هم به این روایت اشاره کردیم که خود این روایت ذاتاً اشکالات دلالتی دارد که صلاة صحابه را مطرح می‌کند نه صلاة پیغمبر را، صلاة صحابه برای ما حجت نیست!

روایات متعددی داشتیم صحابه موقع سجده کردن بر کور عمامه، بر لباس و غیره سجده می‌کردند پیغمبر اینها را نهی می‌کرده است و این نشان می‌دهد که سجده در نماز هنوز در میان صحابه جا نیافتاده بود، به قرینه روایات قبلی و نهی پیغمبر، عمل صحابه برای ما حجت نیست.

به اضافه اینکه دارد:

«فَيَسْجُدُ أَحَدُنَا على تَوْبِهِ»

یکی از ماها بر لباسش سجده می‌کرد.

یعنی مشخص است اکثریت، سجده بر غیر ثوب و سجده بر ارض بوده و اگر هم بنا باشد عمل صحابه را ما حجت بدانیم عمل اکثر حجت است نه عمل افراد نادرا!

ثالثاً این روایت در وقت عذر و ضرورت است، به قرینه روایت دیگری که خود انس باز نقل می‌کند می‌گوید:

«كنا نُصَلِّي مع النبي صلى الله عليه وسلم في شِدَّةِ الْحَرِّ»

ما با نبی مکرم در شدت گرما نماز می‌خواندیم.

الجامع الصحيح المختصر ، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ۲۵۶ ، دار

النشر : دار ابن كثير , اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷ ، الطبعة : الثالثة ، تحقيق : د. مصطفى ديب البغا

ج ۱ ص ۴۰۴

توجه داشته باشید که ما با این روایت خیلی کار داریم.

«فَإِذَا لَمْ يَسْتَطِعْ أَحَدُنَا أَنْ يُمَكِّنَ وَجْهَهُ مِنَ الْأَرْضِ بَسَطَ ثَوْبَهُ فَسَجَدَ عَلَيْهِ»

روایت خیلی گویا است.

«فَإِذَا لَمْ يَسْتَطِعْ أَحَدُنَا»

هنگامی که یکی از ما نمی‌توانست

چرا نمی‌توانست؟

«أَنْ يُمَكِّنَ وَجْهَهُ مِنَ الْأَرْضِ»

نمی‌توانست که صورت بر زمین بگذارد به خاطر حرارت زیاد

آن شخص:

«بَسَطَ ثَوْبَهُ فَسَجَدَ عَلَيْهِ»

لباسش را پهن می‌کرد و بر آن سجده می‌کرد.

«صحيح بخارى» ج ۲، ص ۶۴ (چاپ دارالفکر)

روایت اولی که ما خواندیم جلد اول «صحيح بخارى» ص ۱۰۱ بود این روایت به اعلی صوت دلالت می‌کند که این مورد و دهها موارد دیگر که از صحابه آمده حتی از نبی مکرم باشد سجده بر ثوب را برای ما نقل کند این مشخص است که این «سجده على الثوب، كانت لضرورة و لعذر ولعدم الاستطاعة جعل الوجه وجعل الجبهة على الارض» بوده است نه اینکه این به عنوان تشریح باشد.

«فَإِذَا لَمْ يَسْتَطِعْ أَحَدُنَا أَنْ يُمَكِّنَ وَجْهَهُ مِنَ الْأَرْضِ بَسَطَ ثَوْبَهُ فَسَجَدَ عَلَيْهِ»

این روایت خیلی صراحت دارد، «شوکانی» از علمای بزرگ اهل سنت که اخیراً وهابی‌ها خیلی بزرگش کردند و بعضی از کتاب‌هایش را هم چاپ کردند چون در یکی دو جا گفته که زیارت قبور اشکال دارد از این جهت خوش‌شان آمده، با اینکه «شوکانی» زیدی مذهب است و ارتباطی به وهابیت ندارد.

«شوکانی» می‌گوید:

«(وَالْحَدِيثُ) يَدُلُّ عَلَى جَوَازِ السُّجُودِ عَلَى الثِّيَابِ»

حدیث بر جواز سجده بر لباس دلالت می‌کند

نیل الأوطار من أحاديث سيد الأختار شرح منتقى الأخبار ، اسم المؤلف: محمد بن علي بن محمد

الشوکانی الوفاة: ۱۲۵۵ ، دار النشر: دار الجيل - بيروت - ۱۹۷۳، ج ۲ ص ۲۸۹

« لَاتَّقَاءِ حَرَّ الْأَرْضِ »

برای جلوگیری از گرمای زمین

« وَفِيهِ إِشَارَةٌ إِلَى أَنَّ مُبَاشَرَةَ الْأَرْضِ عِنْدَ السُّجُودِ هِيَ الْأَضْلُ »

در این حدیث اشاره است به اینکه مباشرت جبهه با زمین در سجده اصل است.

ببینید چقدر زیبا است!

که:

« فَإِذَا لَمْ يَسْتَطِعْ أَحَدُنَا أَنْ يُمَكِّنَ وَجْهَهُ مِنَ الْأَرْضِ »

یعنی مشخص است که همه مکلف بودند جبهه را مماس با ارض قرار بدهند. بله در صورتی که امکان پذیر نبود و نمی توانستند به طور مثال اگر شخصی نمی توانست ایستاده نماز بخواند نشسته نماز می خواند، نتواند به رکوع و سجده برود با اشاره انجام می دهد.

اینها ملاک نیست این موارد استثنائی و ضروری و عذری نمی تواند ملاک مشروعیت یک چیزی به صورت مطلق برای عموم باشد.

« وَفِيهِ إِشَارَةٌ إِلَى أَنَّ مُبَاشَرَةَ الْأَرْضِ عِنْدَ السُّجُودِ هِيَ الْأَضْلُ لِتَغْلِيْقِ بَسِطِ تَوْبٍ بِعَدَمِ الْاِسْتِطَاعَةِ »

برای اینکه در روایت «انس» پهن کرده لباس معلق «بِعَدَمِ الْاِسْتِطَاعَةِ» شده است؛ یعنی «بِعَدَمِ الْاِسْتِطَاعَةِ وَضِعِ

الجبهة على الارض»

گفته در صورتی که نتوانست جبهه را بر ارض قرار بدهد

«لشدة الحرّ، يَبْسُطُ ثَوْبَهُ فَيَسْجُدَ عَلَيْهِ»

پس این نشان می‌دهد که اصل در سجده «جعل الوجه على الارض» است، نه «جعل الوجه على الثوب»!

و همچنین از «انس بن مالک» روایتی خیلی صریح آمده است:

«كنا إذا صَلَّيْنَا خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالظُّهَائِرِ فَسَجَدْنَا عَلَى ثِيَابِنَا اتِّقَاءَ الْحَرِّ»

الجامع الصحيح المختصر ، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ۲۵۶ ، دار

النشر : دار ابن كثير , اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷ ، الطبعة : الثالثة ، تحقيق : د. مصطفى ديب البغا،

ج ۱ ص ۲۰۱.

«ظُهَائِرٍ» جمع ظهیره است؛ یعنی «شدة الحر»

«إِذَا صَلَّيْنَا خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالظُّهَائِرِ فَسَجَدْنَا عَلَى ثِيَابِنَا اتِّقَاءَ الْحَرِّ»

وقتی ما با پیغمبر اکرم در شدت گرما (یعنی ظهر) نماز می‌خواندیم.

« فَسَجَدْنَا عَلَى ثِيَابِنَا اتِّقَاءَ الْحَرِّ »

ما به خاطر جلوگیری از شدت گرما بر لباس‌هایمان سجده می‌کردیم.

«صحيح بخارى» ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۵۴۲ (چاپ دارالفکر)

«ابن اثیر» هم دارد که:

«والظُهائر جمع ظهيرة ، وهي شدة الحر»

النهاية في غريب الحديث والأثر ، اسم المؤلف: أبو السعادات المبارك بن محمد الجزري الوفاة: ٦٠٦ ، دار

النشر : المكتبة العلمية - بيروت - ١٣٩٩هـ - ١٩٧٩م ، تحقيق : طاهر أحمد الزاوي - محمود محمد

الطناحي ج ٤ ص ١٥٨

این دسته هشتم از روایات است؛ پس دسته‌ای هشتم این شد که «صحابه» ملزم «بجعل الوجه على الارض» بودند الا مواردی را که برای آنها امکان نبود «جعل الوجه على الارض لشدة الحر» در این موارد «یسجدون على ثيابهم»!

این می‌آید تمام روایاتی را که مبنی بر جواز سجده بر کور عمامه، بر کُم قوی یا بر دامن آمده تمامی اینها را تقیید می‌کند. می‌گوید هر روایتی در جواز سجده بر لباس یا غیر لباس وارد بشود که غیر ارض باشد اینها مقید «بعدم الاستطاعة سجدة على الارض لشدة الحر» می‌شود.

این دسته هشتم از روایات بود!

٩- دسته‌ای نهم از روایات را ما داریم بر این که در زمان «صحابه» یا «تابعین» بر چیزی که شبیه مَهر شیعه‌ها است سجده می‌کردند.

این خیلی واضح است مرحوم «علامه امینی» هم خیلی روی تأکید دارد عبارتش را ما می‌خوانیم.

آقای «ابن ابی شیبه» استاد «بخاری» متوفای ٢٣٥ هجری است از «رزین مولای آل عباس» نقل می‌کند

«قال أُرْسِلَ إِلَيَّ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ»

می‌گوید من در مکه بودم «علی» پسر «عبدالله بن عباس» یک فردی را دنبال من فرستاد و پیام داد

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار ، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي الوفاة:
٢٣٥ ، دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - ١٤٠٩ ، الطبعة: الأولى ، تحقيق: كمال يوسف الحوت ج ١،
ص ٢٤٦

« أَنْ أُرْسِلَ إِلَى بَلُوْحٍ مِنَ الْمَرْوَةِ أَسْجُدُ عَلَيْهِ »

اینکه می گوید سنگ برایم بفرست جرأت دارید بگویند بت پرستی بوده! آقای « علی عبدالله ابن عباس » که
می گوید یک سنگی از کوه مروه برایم بفرست من به آن سجده کنم این آقا بت پرست بوده! مرد هستید بگویند
بت پرست بوده.

کتاب «المصنف» ج ١، ص ٣٠٨ (چاپ دارالفکر)

ما دو تا «مصنف» داریم یک «مصنف» برای «ابن ابی شیبه» است یک «مصنف» دیگر داریم برای
«عبدالرزاق» است. «عبدالرزاق» متوفای ٢١٣ است هر دو از اساتید بخاری هستند. «اخبار مکه» ج ٢، ص ١٥١؛
«تاریخ مدینه دمشق»، «ابن عساکر» ج ٤٣، ص ٥٠ این صراحت دارد که این آقا می گویند:

« أَنْ أُرْسِلَ إِلَى بَلُوْحٍ مِنَ الْمَرْوَةِ أَسْجُدُ عَلَيْهِ »

«بلوْح من المروة»: یعنی تکه ای از سنگ مروه.

مورد دوم از آقای «مسروق اجدع» است و ایشان از تابعین است، «ابوبکر» و «عمر» و «عثمان» و «امیر
المؤمنین» و «عبدالله ابن مسعود» را هم درک کرده و از آنها روایت دارد.

«ابن سعد» متوفای ٢٣٠ هجری است، عرض کردیم قدیمی ترین کتاب «رجالی» و «تاریخی» اهل سنت کتاب
«طبقات ابن سعد» است «ابن سعد» می گویند:

«كان مسروق إذا خرج يخرج بلبنة يسجد عليها في السفينة»

الطبقات الكبرى ، اسم المؤلف: محمد بن سعد بن منيع أبو عبدالله البصري الزهري الوفاة: ۲۳۰ ، دار

النشر : دار صادر - بيروت - ج ۶، ص ۷۹.

لَبِنٌ یعنی خشت کوچک، همان مُهری که شیعه برای سجده می‌گذارد. «مسروق» وقتی از «مدینه» برای سفر با کشتی بیرون می‌رفت، در اینجا کلمه کشتی آمده یک مورد هم باشد ما می‌توانیم کشتی را الغای خصوصیت کنیم؛ یعنی کشتی با قید کشتی خصوصیتی ندارد که بگوییم: «السجدة على المهر یا على اللبن فی السفينة جائز وفي غير سفينة شرک»

درست است در اینجا قضیه سفینه آمده ولی خیلی جاها ما الغای خصوصیت می‌کنیم. می‌گوید:

« إذا خرج یخرج بلبنة »

خشت کوچکی

«یسجد علیها فی السفینة»

کتاب «طبقات کبری» «ابن سعد» ج ۶، ص ۵۳

پرسش:

اینجا تأکید بیشتر دارد چون در سفینه ارض و زمین نیست، به این خاطر خشت کوچکی با خودش می‌برده است

پاسخ:

بله این هم یک حرفی است. همچنین از «عبدالرزاق» آنجا از «ابن ابی شیبه» بود اینجا از «مصنف عبدالرزاق»

است می‌گوید:

«عبد الرزاق عن الثوري عن عاصم عن بن سيرين أن مسروقا كان يحمل معه لبنة في السفينة ليسجد عليها»

«مسروق» وقتی با کشتی به سفر می‌رفت با خودش یک خشت کوچکی می‌برد.

المصنف ، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني الوفاة: ۲۱۱ ، دار النشر : المكتب الإسلامي - بيروت - ۱۴۰۳ ، الطبعة : الثانية ، تحقيق : حبيب الرحمن الأعظمي ج ۲ ص ۵۸۲

کتاب «المصنف» «عبدالرزاق» ج ۲، ص ۵۸۳

خشت کوچکی از خاک مدینه! این هم یک عنایتی است؛ یعنی در حقیقت یک مُهری از خاک مدینه درست کرده بود با خودش در سفرهای دریای با خودش می‌برد «یسجد علیها» این هم مورد دوم.

آیا شما می‌توانید حکم کفر آقای «مسروق اجدع» را که مورد وثوق شما است او را تکفیر کنید و بگویید این آقا مشرک و بت‌پرست بوده؟!؟

پرسش:

اینها از نظر سندی هم مشکل ندارد؟

پاسخ:

نه ظاهراً از نظر سندی هم مشکل ندارد، سندی هم مشکل داشته «يُؤَيِّدُ بَعْضُهَا بَعْضًا»؛ این دسته نهم از روایات بود.

ما در مجموع نه دسته روایاتی از منابع اهل سنت خواندیم که کل این نه دسته، مبنی و سیره شیعه را تأیید می‌کند، که باید بر ارض یا چیزی که از جنس ارض است سجده کرد مثل لَبَن، خشت کوچکی از خاک مدینه یا تکه سنگی از مروه یا ممانعت از سجده بر کور عمامه و امثال اینها «كُلُّهَا يُؤَيِّدُ» مبنای شیعه است.

این فصل را در اینجا می‌بندیم از این نه دسته روایات یُؤَيِّدُ بَعْضُهَا بَعْضاً ثَبَتَ وَلَايَتِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (سلام الله عليه) بر اینکه سجده بر ثوب، بر فرش، بر لباس یک مورد هم شما با سند صحیح ندارید، اگر هم مواردی است آنجا تقیید بشده حرّ الارض شده، تقیید به موارد ضروری شده، تقیید به موارد استثنائی از ضروریات شده است

«تقدر بقدرها»

ما هم می‌گوییم اگر چنانچه فرض نه تنها آنجا اصلاً در ترک رکوع اگر معذور بود رکوع از طرف ساقط است این که دیگر بالاتر از «ما یُسجد علیها» است.

دفاع از شیعه:

در این بخش به موضوع دفاع از شیعه می‌رسیم این بخش را خوب دقت کنید فصل جدیدی است این فصل را ما باید مثل حمد و سوره حفظ کنیم به قول حاج آقای «سبحانی» همیشه در آستین‌مان داشته باشیم.

دو تا نکته اساسی ما در این فصل داریم:

یک: سیره ائمه (علیهم السلام) از تربت امام حسین است، زیاد سوال می‌کنند و از خود ما هم در شبکه «سلام» سوال زیاد می‌کردند که آیا ائمه (علیهم السلام) هم مَهر داشتند؟ آیا ائمه (علیهم السلام) مثلاً به تربت امام حسین سجده می‌کردند؟ یا این از بدعت‌های شیعه است؟ از چه زمانی مَهر رسم شده است؟

دو: فلسفه سجده بر مَهر چیست؟ چرا شیعه بر سجده به مهر کربلا مقید است؟

ما روایات متعدد داریم من اشاره‌ای می‌کنم ان شاء الله در جلسات بعدی بیشتر روی این روایات تکیه می‌کنیم عزیزان این بحث را دقت کنند که این موضوع اُس اساس ما در دفاع از کیان شیعه است.

روایاتی ما داریم که امام صادق فرمود:

«السُّجُودُ عَلَى طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - يُتَوَّرُ إِلَى الْأَرْضِ السَّبْعَةِ»

سجده بر خاک کربلای حسین، تا هفت طبقه زمین را نور افشانی می‌کند.

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ۳۰ جلد، مؤسسه

آل البيت عليهم السلام - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق. ج ۵؛ ص ۳۶۶

یا از امام صادق (سلام الله علیه) دارد که:

«إِنَّ السُّجُودَ عَلَى تُرْبَةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخْرِقُ الْحُجُبَ السَّبْعَ»

سجده بر تربت امام حسین (علیه السلام) حجاب‌های هفتگانه را به هم می‌ریزد.

سال‌های زیادی است که این روایت در ذهنم است تقریباً از ۲۷ - ۲۸ سال قبل این روایت را من دیدم خدا آقای «میرزا حسن نوری» را بیمارزد اولین بار ایشان نقل می‌کرد ایشان با اینکه سن‌شان بالا بود یکی از بهترین منبری‌های قم بود، معمولاً در حسینیه‌ای آقای «نجفی» منبر می‌رفت منبر ایشان یک درس علمی تاریخ بود؛ یعنی در یک ساعت صحبت می‌کرد پنجاه تا مصدر می‌گفت.

یک منبر ایشان ده دوازده تا منبر برای طلبه‌ها بود، من خیلی هم مقید بودم وقتی ایشان منبر می‌رفت حضور پیدا کنم. برای اولین بار من از ایشان این روایت را شنیدم، منبر ایشان، منبر نبود یک کلاس درس بود.

ایشان از مرحوم «محدث قمی» در «سفینة البحار» نقل کرد و می‌گفت وقتی که انسان نماز می‌خواند این نماز تا بالا برود و در لوح محفوظ و یا در انبار بایگانی اعمال قرار بگیرد یک مرحله را باید طی می‌کرد تا به آنجا می‌رسید. مثل اتوبوسی که از تهران تا بندر عباس می‌خواهد برود ده‌ها پاسگاه در راه وجود دارد که در هر پاسگاهی باید برود و ساعت بزند، اگر چنانچه این راننده سرعت غیر مجاز و یا بار نامه نداشت هزار مصیبت دارد. نماز هم اگر بخواند به آن بایگانی اعمال برود و بایگانی بشود و فردای قیامت دست صاحبش را بگیرد به طور مثال اولین موقوف، موقوف غیبت است. آنجا ملائکه بررسی می‌کنند این آقایی که نماز می‌خواند اهل غیبت هم است یا نه؟

اگر اهل غیبت بود این نماز را مجاله می‌کنند و به کله‌اش می‌کوبند می‌گویند این نماز خواندن به سرت بخورد. می‌گویند «ملا نصرالدین» وقتی که نماز می‌خواند السلام علیکم که می‌گفت فرار می‌کرد و کنار می‌رفت می‌گفتند ملا این چه وضعی است؟ می‌گفت می‌ترسم این نماز به سرم بخورد و سرم بشکند، اگر به زمین بخورد و زمین خراب بشود چیزی نیست.

در هر صورت... مثلاً موقوف دوم، موقوف کذب است آیا صاحب این نماز، اهل دروغ است یا نه؟ بررسی می‌کنند موقوف سوم مثلاً موقوف افتراء است؛ یعنی به تعداد گناهان موافقی است که در هر موقفی از عملکرد صاحب صلات کم می‌کنند.

اگر چنانچه که از همه این مواقف به راحتی توانست رد بشود این در مرکز بایگانی اعمال، بایگانی می‌شود. و در غیر این صورت شاید نماز شرایط صحت را داشته باشد شرایط صحت شیعی و شرایط قبول شیعی آخر در روایتی از امام صادق (سلام الله علیه) می‌فرماید نماز هزار حد دارد، اگر یکی از این هزار حد، ناقص باشد نماز فردای قیامت دستگیر صاحبش نیست این نماز:

(تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ)

...نماز (انسان را) از زشتیها و گناه بازمی‌دارد

سوره عنکبوت (۲۹): آیه ۴۵

نیست، این صلات معراج المؤمن نیست.

«قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ»

نیست، این خاصیت‌های که برای نماز، معین شده برای نمازی است که به حدها و حدودها انجام بگیرد.

اگر اشتباه نکنم از آقا امام صادق (سلام الله علیه) است می‌گوید وقتی که مصلی بر خاک تربت امام حسین سجده کند وقتی بالا می‌خواهد برود در هر موقفی ملائکه می‌آیند تفتیش کنند همین که بوی تربت امام حسین را ملائکه استشمام می‌کنند همه عقب بر می‌گردند، می‌گویند به برکت امام حسین، ما جرأت تفتیش از اعمال صاحبش را نداریم.

مثلاً شما تصور کنید یک اتوبوسی است رئیس راهنمایی رانندگی تهران و کل کشور بغل راننده نشسته در هر پاسگاهی می‌رسد این مأمور وقتی چشمش به این مسئول می‌افتد اصلاً جرأت نمی‌کند چیزی سوال کند با احترام می‌گوید آقا بفرمایید.

من به خاطر دارم که با ماشین خودمان به سوریه رفتیم در راه برگشت در ترکیه خودم پشت فرمان بودم و با لباس هم بودم از قسمت شرقی ترکیه که منطقه نا امنی است که در هر ده پانزده کیلومتر پلیس راه گذاشته بودند ماشین‌ها را تفتیش می‌کردند، رفتنی اخوی پشت فرمان بود، ما دیگر مصیبت داشتیم در برخی از جاها ما را در چاله می‌بردند حتی زیر ماشین را تفتیش می‌کردند که آیا مواد مخدر و یا منفجره‌ای داریم یا نه؟

در راه برگشت افسرهای لائیک وقتی می‌دیدند که من با لباس هستم عذرخواهی می‌کردند نه تنها تفتیش نمی‌کرد از اینکه به ما فرمان ایست داده عذرخواهی می‌کرد و با زبان آذری می‌گفت بفرمایید به سلامت! غرض این است وقتی نماز با تربت حسینی بالا برود مأمورین نه تنها بررسی نمی‌کنند بلکه به احترام آقا امام حسین همه ژست می‌گیرند و همه احترام می‌گذارند و می‌گویند جناب نماز بفرمایید. ولذا امام صادق (سلام الله علیه) می‌فرماید که:

«كَانَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) خَرِيطةً دِيباجٍ صَفْرَاءٍ فِيهَا تُرْبَةُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام)»

سجاده‌ای از دیباج زرد داشت، در داخل این سجاده، تربت امام حسین بود.

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ۳۰ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق. ج ۵؛ ص ۳۶۶

« فَكَانَ إِذَا حَضَرَتْهُ الصَّلَاةُ صَبَّهُ عَلَى سَجَادَتِهِ »

خاک تربت را روی جانماز می‌پاشاند

این تربت شبیه مهر نبود خاک بود.

« وَ سَجَدَ عَلَيْهِ »

بر روی تربت امام حسین سجده می‌کرد.

«ثُمَّ قَالَ (عليه السلام) إِنَّ السُّجُودَ عَلَى تُرْبَةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَخْرِقُ الْحُجُبَ السَّبْعَ.»

...موانع هفتگانه را می‌شکافد، خرق می‌کند و می‌برد.

ان شاء الله عزیزان این مطلب را در کتابهای «وسائل» ج ۳، ص ۶۰۷ و ۶۰۸؛ «من لا یحضر» ج ۱، ص ۲۶۸؛ «بحار الانوار» ج ۸۵، ص ۱۵۳ و ج ۱۰۱، ص ۱۳۵ را بی‌بینند. در این زمینه ما چند تا روایت داریم که گل سر سبد بحث ما است تا بدانیم که سیره ائمه (سلام الله علیهم) در این زمینه چه بوده است؟

پرسش:

استاد ببخشید! تربت باید از خاک قبر باشد؟

پاسخ:

فرقی نمی‌کند الان دیگر تربت اصل قبر پیدا نمی‌شود.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته